

ارزیابی درگیری‌های فرقه‌ای در پاراچنار پاکستان

گزارش ذیل تلاش دارد تا با مرور اجمالی ویژگی‌های جغرافیائی ناحیه پاراچنار به عنوان مرکز یکی از مناطق هفتگانه خود مختار قبایلی شمال غربی پاکستان که شیعیان اکثریت جمعیت آن را تشکیل می‌دهند به بررسی ریشه‌های درگیری‌های متعددی که طی سالیان اخیر بین ساکنان شیعه و سنی این منطقه به وقوع پیوسته بپردازد. در این بررسی درگیری‌های مذکور با سابقه طولانی ذکر شده و دلایل آن عمدتاً اختلاف بر سر زمین توصیف شده است که با توجه به تحولات اخیر در افغانستان و پاکستان و حضور نیروهای نظامی ائتلاف بتدریج شکل و ماهیت تازه‌ای یافته است. در این شکل تازه نفوذ، حضور و دخالت عناصر خارجی عامل جدید درگیری توصیف شده که شکل درگیری‌ها را از اختلافات صرف محلی بر سر زمین، به اختلافات مذهبی دو گروه شیعه و سنی با حمایت‌های پیچیده تبدیل نموده است.

بوده و آثار توسعه یافتگی در آن مشهود نیست. در خلال سال‌های جهاد افغانستان و سپس در دوران حاکمیت طالبان در کابل و پس از آن با ورود آمریکا و ناتو به افغانستان، مناطق قبایلی پاکستان به عنوان عقبه تدارکاتی و پشتیبانی مجاهدین و بعداً طالبان مورد استفاده قرار گرفته است. در میان این مناطق، منطقه کرم و مرکز آن پاراچنار، پیشرفته‌ترین نقطه در خاک افغانستان می‌باشد و همواره معبر طالبان بوده است. جمعیت ساکن در مناطق آزاد قبایلی اکثراً سنی مذهب بوده و تنها در سه بخش آن شیعیان در اکثریت هستند. پاراچنار بیشترین جمعیت شیعه را در این مناطق در خود جای داده است. اهل سنت و شیعه ساکن در این مناطق در عقاید خود متعصب و

ناحیه پاراچنار در منطقه کرم در شمال غرب پاکستان واقع شده است. کرم یکی از بخش‌های هفتگانه مناطق آزاد قبایلی پاکستان است. این مناطق در شمال غربی و غرب پاکستان منطقه مرزی با افغانستان را در بر می‌گیرد و گرچه در قلمرو پاکستان قرار گرفته ولی از مختصات حاکمیتی خاصی تبعیت می‌کند به گونه‌ای که به صورت کامل تحت حاکمیت دولت این کشور قرار ندارد. این مناطق از نظر سیاسی و اجتماعی فوق العاده عقب مانده بوده و در اغلب موارد در چارچوب قوانین و سنت‌های قبیله‌ای اداره می‌شود. منبع درآمد ساکنان آن که مردمی جنگجو هستند ندرتاً از راه کشاورزی و دامداری و غالباً از طریق قاچاق تأمین می‌گردد. این مناطق اکثراً کوهستانی

افراطی بوده که این خصیصه در اختلاط با فرهنگ و سنت‌های قبیله‌ای و قومی شرایط سختی از تعامل را برای مردم منطقه ایجاد می‌کند.

سابقه درگیری‌ها در پاراچنار

درگیری میان قبایل و اقوام در مناطق آزاد قبایلی پاکستان و از جمله در پاراچنار سابقه دیرینه دارد و عمدتاً به دلیل تسلط بر زمین‌های کشاورزی و معابر (اعم از تجاری و انسانی) بوده است. در خلال سه دهه گذشته درگیری‌های سنتی این منطقه، گاهی با صبغه مذهبی ممزوج شده و ترکیبی از تقابل مذهبی- قومی ایجاد کرده است. این امر نیز تحت تأثیر درگیری‌های فرقه‌ای گسترده در سراسر پاکستان طی سه دهه اخیر بوده است. در پاراچنار و مناطق مجاور آن به دلیل غلبه بافت قومی قبیله‌ای، معمولاً اندکی پس از آغاز درگیری میان طرف‌های مقابل، مجمعی از بزرگان و ریش سفیدان (جرگه در لفظ محلی) تشکیل می‌گردد و از طریق گفتگو و میانجیگری به تخصیصات پایان داده می‌شود.

ریشه درگیری‌های اخیر

سلسله درگیری‌های دو سال اخیر در پاراچنار که تقریباً از اوائل پاییز ۱۳۸۶ آغاز شد و حدود پانزده ماه با شدت و ضعف به طول انجامید تفاوت‌های قابل توجهی با موارد قبلی داشت. منازعات قبلی معمولاً محدود به بعضی از نواحی پاراچنار و میان بخش کمی از جمعیت آن منطقه روی می‌داد. ضمن اینکه مدت آن کوتاه و تلفات آن نیز محدود بود. عناصر خارج از منطقه در آن دخیل نمی‌شدند مگر به استثنا و به سرعت به میانجیگری‌ها پاسخ می‌دادند. درگیری یاد شده فوق‌تر از آنچه در مقاطع محدودی از زمان کاهش می‌یافت یا حتی قطع می‌شد لیکن در یک

نگاه کلی مستمراً جریان داشت. این درگیری تقریباً به تمام نقاط مهم پاراچنار با شدت و ضعف سرایت کرد و برای مدت طولانی ادامه یافت. میانجیگری‌ها تا مدت زمان مدیدی در آن مؤثر واقع نشد و نتوانست آتش جنگ را خاموش کند و مهم‌تر از همه اینکه عناصر خارج از منطقه (طالبان) به صورت علنی و واضح در آن دخیل بودند و با تمام توان در جبهه اهل سنت می‌جنگیدند. باتوجه به نکات یاد شده می‌توان گفت این منازعه گرچه در صورت ظاهر به عنوان درگیری شیعه- سنی در آن منطقه واقع شد لیکن در حقیقت ابزاری بود جهت ایجاد فضای مناسب برای عناصر خارج از آن محیط تا بتوانند با بهره‌گیری از این منطقه برنامه‌های خود را اجرا کنند.

از سوی دیگر تمایل جدی قدرت‌های فرمانطقه‌ای برای افزایش درگیری‌های فرقه‌ای که می‌تواند عامل بسیار کارآمدی در راستای تأمین منافع آنها تلقی شود در شعله‌ور ساختن آتش این منازعه نقش خود را به خوبی ایفا می‌کرد و هر زمان دو طرف درگیر، در سایه میانجیگری‌های بزرگان قوم به نقطه سازش و ترک مخاصمه نزدیک می‌شدند عوامل ناشناخته‌ای ناگهان با ایجاد درگیری‌های بی‌مورد آتش جنگ را شعله‌ور می‌ساختند تا مانع ایجاد صلح شوند و تا مدت زیادی موفق بودند.

از آنجایی که تنها راه ارتباطی پاراچنار با ایالت سرحد پاکستان جاده‌ای است که بخش اعظم آن از مناطق سنی‌نشین می‌گذرد با آغاز منازعات این جاده بسته شد و به جز روزهای معدودی در اکثر مدت پانزده ماه گذشته مسدود و راه‌های تدارکاتی اصلی آن منطقه بسته شده بود. با این وجود مردم امکانات مورد نیاز خود را از هر طریق ممکن تهیه می‌کردند بنابراین به‌رغم آنکه منازعه

۱۵ ماه به طول انجامید آنان که این درگیری را ایجاد کرده بودند نه تنها به اهداف خود نرسیدند بلکه ناگزیر شدند استیلاي ساکنان بومی این منطقه بر سرزمین‌شان را بپذیرند و جنگ خاتمه یابد. این درگیری با عنایت به خلیات و خصلت‌های قبیل‌های دو طرف در نهایت خشونت جریان داشت و به دو طرف تلفات جانی و مالی فراوانی وارد شد به صورتی که براساس تصاویر و اطلاعات منتشره در سایت‌های افراطی شیعه و سنی هر دو طرف در موارد متعددی اخلاق را در جنگ مراعات نمی‌کردند.

جایگاه دولت پاکستان در این درگیری

نیروهای نظامی دولت پاکستان به طور کلی بر مناطق قبایلی تسلط کافی نداشته و به بیانی آن را به حال خود رها ساخته‌اند. از حدود سه سال قبل آمریکایی‌ها به صورت جدی دولت پاکستان را متهم ساختند که تلاش کافی برای جلوگیری از ورود طالبان افغانی به خاک پاکستان به عمل نمی‌آورد و اظهار داشتند طالبان در افغانستان علیه نیروهای ائتلاف عملیات نموده و زمانی که مورد تعقیب قرار می‌گیرند به خاک پاکستان می‌گریزند. از آن زمان دولت اسلام‌آباد برای نشان دادن جدیت و صداقت خود در مبارزه با تروریسم و طالبان حدود هفتاد هزار نیروی نظامی خود را در نقاط خاصی از مناطق قبایلی مستقر نمود و حداقل در ظاهر تلاش کرد به مطالبات آمریکا پاسخ مثبت دهد. منطقه کرم به مرکزیت پاراچنار جزو مناطق مورد نظر دولت پاکستان نبود و به دلیل اشتغال نیروهایش در دیگر مناطق حاضر نبود توجه خاصی به این بخش معطوف دارد. این وضعیت تا جایی پیش رفت که افکار عمومی داخل و خارج پاکستان دولت را به ندیده‌گرفتن شرایط بحرانی پاراچنار محکوم نموده و

از آن خواستند به سرعت برای کنترل اوضاع به صحنه وارد شود. این امر مصادف با زمانی گردید که رهبران و شخصیت‌های با نفوذ طرف‌های درگیر به نقش نیروهای خارج از منطقه و گروه‌ها و افراد وابسته به دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای ثالث در این درگیری‌ها پی برده و به صورت جدی تلاش‌هایشان را برای قطع درگیری‌ها و ایجاد صلح شدت بخشیدند. با آغاز روند نزولی درگیری‌ها، نیروهای دولتی نیز به منطقه وارد شده و به کنترل اوضاع کمک کردند. همچنین در مقاطعی که کمبود ارزاق عمومی و دارو در پاراچنار به حد خطرناکی می‌رسید دولت با توجه به بسته بودن جاده، کمک‌هایی را با استفاده از بالگرد به منطقه وارد می‌ساخت.

تحلیلگران معتقدند دولت به دلایل مختلفی همواره تلاش نموده حتی‌المقدور در منازعات این منطقه دخالت نکند که البته این بار دلایل ظاهراً منطقی نیز برای این امر ارائه می‌نمود.

آخرین وضعیت منطقه

با امضای موافقتنامه آتش‌بس و صلح بین طرف‌های درگیر از اواخر پاییز ۱۳۸۷ آرامش در منطقه برقرار گردید. اسرای دو طرف نیز مبادله شده و مردم زندگی عادی خود را از سر گرفته‌اند. پس از برقراری آرامش عناصر ناشناخته‌ای با استفاده از ابزارهای نرم و از طریق شایعه‌پراکنی، انتشار تصاویر وحشتناک از کشتار افراد دو طرف و حتی ایجاد درگیری‌های ساختگی و حملات پراکنده به طرفین سعی می‌کنند آتش جنگ را روشن نمایند. آنان با خبرسازی‌های کذب در محافل شیعه و سنی با تبلیغ این معنا که عربستان سعودی و وهابیون تندرو از اهل سنت و جمهوری اسلامی ایران از شیعیان

حمایت می‌کنند تلاش دارند آتش جنگ را مجدداً روشن ساخته و درگیری را نهادینه سازند. آنها حتی این گونه تبلیغات را از یک سو به مکه و مدینه و از سوی دیگر به قم و مشهد نیز کشانده‌اند تا با تحریک دو کشور آنان را وارد معرکه سازند و شرایط برای آغاز یک جنگ تمام عیار در آن منطقه مهیا شود. به‌رغم این توطئه‌ها، با هوشیاری علمای شیعه و سنی پاکستان و رهبران محلی، تاکنون اوضاع تحت کنترل بوده و درگیری جدی در منطقه بروز نکرده است. در همین حال به نظر می‌رسد با توجه به نیاز

عناصر خارج از آن منطقه به متشنج ساختن وضعیت، شرایط شکننده‌ای در آنجا حاکم باشد و باید طرف‌های ذینفع همه تلاش خود را برای حفظ آرامش و صلح به کار بسته و از هر اقدامی که فضا را برای آغاز درگیری فراهم سازد خودداری ورزند.

غلامرضا قلیچ‌خان

اداره اول آسیای غربی - وزارت امور خارجه